

چرا نباید خوش بین بود؟



تريتيا پارسى

كارشناس سياست خارجى

بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت به طور رسمی به توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ یا برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) پایان خواهد داد. اگر چه احیای برجام در چند سال گذشته یک گزینه فنی یا سیاسی مناسب نبود، اما همچنان به عنوان چارچوبی برای مذاکرات عمل می‌کرد. با این حال، پایان دوران برجام فرصتی برای هر دو طرف است تا گزینه‌های خلاقانه و عمل‌گرایانه را برای یک توافق بلندمدت دنبال کنند که برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران را به رسمیت می‌شناسد، در عین تضمین می‌کند که از آن برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای استفاده نمی‌شود. شورای امنیت سازمان ملل متحد از طریق «اسنپ‌بک» تمام تحریم‌های سازمان ملل را که قبلاً تحت توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ ایران لغو شده بودند، دوباره برقرار خواهد کرد. این تنش از سوی آلمان، فرانسه و بریتانیا - همان قدرت‌هایی که توافق ۲۰۱۵ را مهندسی کردند - می‌آید و اکنون آنها در حال خاموش کردن آخرین مسیر خروج دیپلماتیک هستند و مسیر رویارویی را تثبیت می‌کنند. همانطور که من هنگام فعال کردن مکانیسم اسنپ‌بک توسط سه کشور اروپایی پیشنهاد دادم، این دیگر مربوط به برنامه هسته‌ای ایران نیست؛ این یک ترفند اتحادیه اروپا برای جلب نظر ایالات متحده در مورد اوکراین است: شراکت ایران با روسیه در جنگ اوکراین، این کشور را از نظر اروپا به عنوان یک تهدید مستقیم دوباره مطرح کرده است. روابط اقتصادی اتحادیه اروپا با تهران پس از سال‌ها تحریم ناچیز است. در همین حال، اتکای اروپا به روابط فرآتلاتنیک - نظامی، سیاسی و اقتصادی - بسیار بیشتر از سال ۲۰۰۳ است. در این زمینه، تشدید تنش با ایران دو هدف اروپایی را محقق می‌کند اول، این اقدام تهران را به خاطر همسویی با مسکومجازات می‌کند و این پیام را می‌رساند که حمایت از روسیه هزینه‌های سنگینی دارد. دوم، اروپا را در زمانی که روابط فرآتلاتنیک تحت فشاری تاریخی است، با عناصر جنگ‌طلب دولت ترامپ همسو می‌کند. برای رهبران اروپایی که به شدت به دنبال حفظ توجه آمریکا هستند، این به یک قربانی مناسب تبدیل شده است.

هیچ‌کدام از این‌ها گمانه‌زنی نیست. صدراعظم آلمان اخیراً اذعان کرد که اسرائیل با بمباران ایران در ماه ژوئن، «کار کثیفی را برای همه ما انجام می‌دهد.» این اظهارنظر به طور غیرمعمولی صریح بود. این موضوع بر آنچه بسیاری در پایتخت‌های اروپایی به طور خصوصی اذعان می‌کنند، تأکید دارد: اینکه اقدامات نظامی اسرائیل علیه ایران با تضعیف کشوری که اکنون با روسیه همسو است، به نفع اروپا خدمت می‌کند. به همین دلیل است که من مدت‌هاست در مورد اثربخشی تلاش‌های جسورانه برای جلوگیری از بازگشت تحریم‌ها تردید دارم. اگر یک طرف قطعانه مصمم باشد که

اسنپ‌بک را برای تحقق اهداف خود فعال کند، بعید است که امتیازات هسته‌ای به تنهایی کافی باشد. بنا به گزارش‌ها، ایرانی‌ها مستقیماً با ایالات متحده وارد مذاکره شده و پیشنهاد مصالحه‌ای داده‌اند: به عنوان گام اولیه، آنها ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد خود را در ازای تعویق موقت مهلت بازگشت سریع تحریم‌ها به مدت چند ماه، رقیق می‌کنند. در طول این مدت، ایالات متحده باید تضمین‌های قاطعی ارائه‌دهد که هیچ اقدام تلافی‌جویانه‌ای نظامی علیه ایران انجام نخواهد شد.

پس از اینکه ایران اورانیوم غنی‌شده را رقیق کرد، بند بازگشت سریع تحریم‌ها باید به طور دائم لغو شود؛ ذخایر اورانیوم باید به ۲۰ درصد رقیق شود؛ و ایالات متحده باید بر خسی تحریم‌ها را لغو کند. این یک توافق موقت خواهد بود که پس از آن مذاکراتی برای یک توافق جامع و نهایی انجام خواهد شد. سایر مسائل بحث‌برانگیز - مانند دامنه غنی‌سازی و شدت بازرسی‌های آژانس - به توافق نهایی موکل خواهد شد. شایعات زیادی وجود دارد مبنی بر اینکه دولت ترامپ این پیشنهاد را رد خواهد کرد - زیرا استراتژی دولت ترامپ مبتنی بر تشدید تحریم‌های «فشار حداکثری» است، با این اعتقاد که ایران در آستانه فروپاشی است و تنها فشار بیشتر بر ایران است که نتیجه خواهد داد. سه کشور اروپایی، به نوبه خود، قصد دارند به واشنگتن اختیار بازگشت تحریم‌ها را بدهند، به این امید که از این طریق سیاست تهاجمی‌تر ایالات متحده نسبت به روسیه را تثبیت کنند.

از آنجایی که روسیه برای اروپا از ایران مهم‌تر است و از آنجایی که راضی کردن اسرائیل برای واشنگتن مهم‌تر از اجتناب از رویارویی با ایران است، به نظر می‌رسد که ماهیت مصالحه با ایران پراشانی بی اهمیت است. این وضعیت یادآور مذاکرات مشابه در سال ۲۰۱۱ است، همانطور که در کتابم در مورد دیپلماسی هسته‌ای اوپاما توضیح داده‌ام: ترکیه و برزیل موفق شدند رضایت ایران را برای درخواست‌های ایالات متحده برای جلوگیری از تحریم‌های سازمان ملل جلب کنند. با این حال، برزیلیا و آنکارا نمی‌دانستند که دولت اوپاما پیش از این با روسیه به تفاهم رسیده بود - تفاهمی که بر اساس آن مسکو با تحریم‌های سازمان ملل موافقت می‌کرد - و به تندرهای طرفدار اسرائیل در کنگره اطمینان داده بود که ایران در نهایت تحریم خواهد شد، مهم نیست چه اتفاقی بیفتد. بنابراین، در لحظه پیروزی خود - که پس از مذاکرات طولانی، پاسخ مثبت ایران به خواسته‌های ایالات متحده را دریافت کرده بودند - اوپاما با رد همان توافقی که لولا و اردوغان را به دستپایی به آن ترغیب کرده بود، داستان را خراب کرد. مذاکرات با تهران یک سراب بود؛ چانه‌زنی واقعی بین بازیگران دیگر بود و مسئله هسته‌ای صرفاً به عنوان یک قمار عمل می‌کرد.

دیپلماسی برای جلوگیری از بازگشت تحریم‌ها نیز همین تصور را ایجاد می‌کند. رقابت واقعی بر سر برنامه غنی‌سازی ایران نیست، بلکه رقابت واقعی بین ایالات متحده و اتحادیه اروپا بر سر روسیه، اوکراین و روابط فرآتلاتنیک است. پرونده هسته‌ای ایران فقط یک کارت در بازی سه کشور اروپایی به نظر می‌رسد.

نگاه کارشناس

چه شد به اسنپ‌بك رسیدیم؟



حمید روشنائى

كارشناس روابط خارجى

داستان اسنپ‌بک، داستان یک شکست است؛ داستان توافقی که می‌توانست الگویی برای توافق جهانی باشد و نشان دهد که هنوز میز مذاکرات آخرین راه برای جلوگیری از اختلافات است.

قصه ما از زمانی آغاز گردید که به‌دلیل تحریم‌ها بر خسی رادیوداروها از ایران دریغ گردید و دولتمردان تصمیم گرفتند که خودشان آن را تولید نمایند. اقدامات مخفیانه‌ای صورت پذیرفت. راکتور دست‌دومی از پاکستان خریداری و غنی‌سازی شروع گردید. در سال ۲۰۰۲ با خیانت منافقین، موضوع برملا گردید و آژانس بین‌المللی اتمی با یافتن علامت غنی‌سازی اورانیوم در سطح بالا (به‌دلیل آلودگی راکتور پاکستانی) موضوع را به یک بحران تبدیل کرد. تا سال ۲۰۱۳ علاوه بر چندین دور مذاکرات مختلف با کشورهای اروپایی، تحریم‌ها آغاز و در سال ۲۰۰۶ به تحریم‌های شورای امنیت ارتقاء یافت.

مذاکرات برجام بزرگ‌ترین رویداد دیپلماسی در کشورمان و حتی جهان بود که در آن، ایران در مقابل ۶ کشور بزرگ قرار گرفت و دوسال و نیم طول کشید تا توافقی شکل بگیرد که براساس آن، کشورمان از ۶ قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل بیرون آمد و روابط خارجی شکلی عادی یافت. پس از آن، اتفاقاتی رقم خورد که موضوع بحث‌ماست:

۱- با امضای برجام، شرکت‌های مختلف به سوی ایران هجوم آوردند به امید آنکه پروژه‌هایشان را عملی کنند، غافل از آنکه ساختار اقتصادی و تجاری ایران توانمندی و آمادگی آن را ندارد و به سرعت همه سرخورده شدند.

۲- همزمان با مذاکرات و بعد از آن، دو جبهه تندرو در داخل و خارج از ایران، شروع به سمپاشی علیه این توافق نمودند. در داخل گروه‌های رادیکال به اصطلاح ضد غرب و در خارج صهیونیست‌ها که از ابتدا به شدت علیه برجام تبلیغ می‌کردند، این دو مانند دو لبه قیچی سعی کردند دستاوردهایی که به سختی به‌دست آمده بود، را از بین برده و یا کم جلوه دهند.

۳- در همین زمان شرکت‌ها و دولت آمریکا که متوجه شده بودند اجازه فعالیت پیدا نخواهند کرد و این دیگ قرار نیست برای آنها به جوش آید، پیمان‌شکنی را شروع کرده و زمان زیادی نبرد که نشانه‌های عقب‌نشینی از دستاوردهای برجام پدیدار گشت.



زیادی تجارت با ایران را متوقف کرده بودند، زیرا ایالات متحده تحریم‌های خود را علیه ایران در سال ۲۰۱۸ دوباره اعمال کرد و تأثیر مکانیسم اسنپ‌بک را بیشتر محدود کرد.

در خصوص واکنش ایران، بعید است ایران اقدام تهاجمی انجام دهد که بتواند دور دیگری از حملات ایالات متحده یا اسرائیل را آغاز کند، اما تهران همچنان بعید است که از حق خود برای غنی‌سازی اورانیوم صرف نظر کند، با وجود افزایش فشار غرب بر ایران بر سر برنامه هسته‌ای‌اش. ایران به‌ویژه پس از پیمان دفاعی ۱۷ سپتامبر عربستان و پاکستان که عربستان سعودی را زیر چتر هسته‌ای پاکستان قرار داد، و همچنین در بجموحه استراتژی منطقه‌ای فزاینده تهاجمی اسرائیل مسلح به سلاح هسته‌ای، بعید است که در مورد غنی‌سازی امتیاز بدهد.

هم ایران به دنبال ایجاد فشار و اهرم فشار باشند، خطر بیشتری وجود دارد که درگیری نظامی دوباره آغاز شود. ایران باید از اقداماتی که تلاش‌های دیپلماتیک آینده را پیچیده می‌کند و گمانه‌زنی‌هایی را در مورد اهداف هسته‌ای‌اش ایجاد می‌کند، مانند پایان دادن به تمام همکاری‌ها با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تهدید به خروج از NPT، از سرگیری غنی‌سازی اورانیوم یا انتقال اورانیوم غنی‌شده، خودداری کند. چنین اقداماتی باعث ایجاد تردید در مورد ادعای ایران مبنی بر صلح‌آمیز بودن کامل برنامه‌اش می‌شود، ممکن است به عنوان بهانه‌ای برای حملات نظامی بیشتر استفاده شود و تنها چالش‌های جدیدی را در مذاکره برای یک توافق جامع هسته‌ای ایجاد خواهد کرد.

ایالات متحده باید بپذیرد که هیچ راه‌حل نظامی برای بحران هسته‌ای ایران وجود ندارد. حملات بیشتر در این زمان، خطر نزدیک‌تر شدن ایران به سلاح‌های هسته‌ای و عملی کردن تهدید خود برای خروج از NPT را به همراه دارد. علاوه بر این، دولت ترامپ باید برای اسرائیل روشن کند که با حملات بیشتر به برنامه هسته‌ای ایران و هدف قرار دادن دانشمندان هسته‌ای ایران مخالفت خواهد کرد. دولت ترامپ همچنین باید بپذیرد که درخواست از ایران برای موافقت با غنی‌سازی صفر قبل از ازسرگیری مذاکرات، غیرضروری و غیرقابل اجرا است.

دیپلمات‌ها



رد حضور ایران و ترکیه در ناتوی عربی

طرح مصر برای تشکیل یک نیروی دفاعی عربی مشابه ناتو در نشست این هفته دوحه با مخالفت قطر و امارات متحده عربی متوقف شد؛ مسئله‌ای که شکاف‌های عمیق میان کشورهای عربی در خصوص امنیت منطقه‌ای و تهدید اسرائیل را آشکار ساخت. دیپلمات‌های مصری به وبسایت Middle East Eye گفتند این طرح که از سوی وزیر خارجه مصر بدر عبدالعاطی ارائه شد، هدفش ایجاد یک نیروی واکنش سریع تحت معاهده دفاع مشترک و همکاری اقتصادی سال ۱۹۵۰ بود تا از کشورهای عضو در برابر تهدیدات خار جی، به‌ویژه اسرائیل، محافظت کند. یک دیپلمات ارشد مصری توضیح داد: «قطر و امارات عملاً جلوی این ابتکار را گرفتند. اختلاف اصلی هم بر سر رهبری این نیرو بود؛ سعودی‌ها خواهان فرماندهی بودند، اما مصر با توجه به تجربه طولانی نظامی خود، خود را شایسته‌تر می‌دانست.» چند روز بعد، عربستان سعودی در اقدامی جداگانه با پاکستان هسته‌ای پیمان دفاع متقابل امضا کرد؛ اقدامی که نگرانی‌های روه به رشد خلیج فارس از بی‌میلی ایالات متحده برای مهار رفتارهای تهاجمی اسرائیل را آشکار کرد. به گفته این مقام مصری، کشورهای خلیج فارس همچنین حضور ایران و ترکیه را در این سازوکار رد کردند و نهایتاً تصمیم گرفتند موضوع را محدود به شورای دفاعی خود نگه‌دارند. او افزود که رئیس‌جمهور مصر، عبدالفتاح السیسی، پس از رد شدن پیشنهادش، «با احساس ناامیدی عمیق» دوحه را ترک کرد. نشست سران اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی که در ۱۵ سپتامبر برگزار شد، تنها چند روز پس از حمله اسرائیل به رهبری حماس در دوحه که منجر به کشته شدن شش نفر شد، برگزار گردید. مصر امیدوار بود نشست به اقدامات ملموس یا دست‌کم موضوعی روشن برای پایان دادن به «نسل‌کشی» اسرائیل در غزه و مخالفت با هرگونه کوچ اجباری فلسطینیان به بحراری سینما منجر شود، اما این اتفاق رخ نداد. یک دیپلمات مصری دیگر گفت نفوذ آمریکا مسیر اجلاس را شکل داد: «یک هیئت قطری از واشنگتن بازگشت و پیامی آورد که هیچ تصمیمی نباید علیه اسرائیل گرفته‌شود. آمریکایی‌ها وعده دادند که دونالد ترامپ بحران را مدیریت خواهد کرد و جلوی نتانیاهو برای حمله به کشور دیگری در خلیج فارس را خواهد گرفت. اماراتی‌ها به‌شدت از این موضع حمایت کردند.» به گفته او، کشورهای عربی دیگر خود را «به دام افتاده» یافتند، چراکه موضع قطر با پشتیبانی امارات غالب‌شد و دیگران نتیجه گرفتند هر اقدام مستقیم علیه اسرائیل بی‌فایده است و بهترین راه، فشار آمریکا بر اسرائیل برای آتش‌بس در غزه است. بیانیه پایانی نشست، حمله اسرائیل به دوحه را محکوم کرد اما فاقد اقدامات عملی بود؛ موضوعی که بار دیگر شکاف میان کشورهای عربی در قبال اسرائیل و جنگ غزه را برجسته ساخت. برای مصر، نتیجه اجلاس بیش از پیش احساس انزوادر چارچوب ائتلاف عربی-اسلامی را آشکار کرد.



اروپا دنبال بهانه است

سعید خطیب‌زاده، دستیار وزیر امور خارجه ایران، در واکنش به تحولات مربوط به بازگشت احتمالی تحریم‌های سازمان ملل متحد و کارشکنی کشورهای اروپایی برای فعال شدن مکانیزم اسنپ‌بک هشدار داد که سه کشور اروپایی (ترونیکا) به دنبال بهانه‌ای برای افزایش تنش هستند. خطیب‌زاده در گفت‌وگو با شبکه المیادین به اروپایی‌ها توصیه کرد که آن‌ها باید جانب احتیاط را رعایت کنند. دستیار وزیر امور خارجه ایران تأکید کرد که راه دیپلماسی هنوز بسته نشده و دیپلماسی همیشه گزینه بهتری نسبت به بالا بردن سطح تنش‌هاست. شورای امنیت سازمان ملل ۱۹ سپتامبر برابر با ۲۸ شهریورماه نتوانست در نشست پیش‌نویس قطعنامه‌کره جنوبی به‌عنوان رئیس دوره‌ای این شورا را درباره «تداوم لغو تحریم‌ها علیه ایران» برای جلوگیری از اعمال مجدد تحریم‌ها علیه ایران که در توافق هسته‌ای ایران موسوم به برجام در سال ۲۰۱۵ لغو شده بودند، تصویب کند. این قطعنامه به دنبال حفظ لغو تحریم‌ها علیه ایران بود که ۹ رای لازم از ۱۵ رای اعضای شورای امنیت را کسب نکرد.